

درباره نوجوانی که زندگی‌اش را بازی می‌کند

۶

رویا صحنه زندگی



۸ در انواع دانشجو فرمایید!



۷ گفت و گو با تهیه‌کننده انیمیشن
جدید ایرانی «لوپتو»



۴ تجمع بیجا
موجب خوشحالی ماست!



۳ دستور کار



۲ مؤذن‌های تاریخ

را به همراه دارد و دانشجویی هم از این قاعده مستثنی نیست. دانشجو بودن در هر کشوری یعنی فارغ از ساعت ۸ صبح سرکلاس حاضر شدن و از استاد انتظار نمره کیلویی نداشتن، متعهد بودن به وطن و برای مردم سینه سپر کردن در هر جایگاه و رشته و تخصصی، با همین یک قلم و یک ذره حساب سرانگشتی منصفانه اسم دانشجو به سیر زندگی ام نمی‌آید، مثل اسم دانشجو که به نمرات درسی و کارنامه اخلاقی بعضی‌ها این روزها نمی‌آید. حالا، منصفانه، واقعاً دانش، جوییم؟

کردن خودم و خواب ماندنم، دانشجویی که نتواند با زنگ ساعت بیدار شود و یکی در میان کلاس هایش را به خاطر غیبت و دیرکرد بیپایان و نرسد، پس فردا استحقاق نشستن روی کدام صندلی را دارد و قرار است با چه کوتاهی‌هایی نیروها و بالادستی‌ها و ارباب رجوع را به دردسر بیندازد؟ من با انصاف ذهنم زده بود توی خط موعظه و اندرز در باب منش و زیست در قزو قامت دانشجو، هر برچسب و صفتی که به تن آدم بنشیند و به آدم بچسبد با خودش یک زیست اجباری و یک سری خصوصیات رفتاری

شادی بیشترش از این بود که دانشگاه نزدیک خانه است، نه که فکر کنید دل نگران دوری و سختی راه باشد، نه، خدا را شکر می‌کرد مکافات ۱۲ سال صبح بیدار کردنم حالا برایش صد چندان نشده است و دلشوره نرسیدن به کلاس‌ها و خوابالو بودنم را در دانشگاه آن سرشهر و شهرستان‌های دور، ندارد، من هنوز هم عادت بد خوابی و بد بیدار شدنم را دارم اما یک روز در همان اوایل دوران دانشجویی که هنوز زیادی آدم بده زندگی‌ام بر دختر طفل معصوم شاعرم غلبه نکرده بود، نشستم به ملامت

مش دانش، جویی

زهرا قربانی
دبیر نوجوان



روز قبولی از همه خوشحال تر مادرم بود، جدا از این که خوشحال بود تنها اولویت انتخاب رشته‌ام را پذیرفته شده بودم و از مهر سر کلاس‌های رشته ادبیات فارسی می‌نشستم